

هوالمحبوب

پایبند، مستمر، پویا

«رضا امیرخانی»، برندهٔ سمپادی جشنوارهٔ خوارزمی در سال ۱۳۷۰ که با طراحی یک هواپیمای کوچک، می‌خواست خود خلبان طرح خویش باشد، هرچند هواپیمایش را در مرکز آموزش خلبانی فرودگاه قلعه مرغی به پرواز درآورد، اما پرواز و اوج‌گیری را در صحنه‌ای کاملاً دور از آن فضا، با نگارش «ارمیا» شروع کرد و اکنون نگین ارزشمند ادب ایران اسلامی است. انتخاب وی به عنوان رئیس «انجمن قلم ایران» را به استعدادهای ناب ایران اسلامی و همهٔ سمپادی‌ها، تبریک می‌گوییم.



هرچند «سمپاد» در انتشار نتایج تحقیقات مقایسه‌ای در ارتباط با دانش آموزان عادی و تیزهوش، تردیدی به خود راه نمی‌دهد، ولی گزینشی عمل کردن منتقدینی که در طول این سال‌ها، کینه‌توزیشان براساس هیچ مبنایی قابل درک نیست، پدیدهٔ جدیدی نیست. نمونهٔ کوچکی از این مورد، مقالهٔ «تافته‌های جدا بافته» است که بیانگر تهاجمی جدید بر مراکز سمپاد است. من بارها گفته‌ام درحالی که کسری یک وزارت خانه دوهزار و دوویست میلیارد تومان است و این بدهی حتی برای استمرار شیوهٔ موجود، بیشتر هم می‌شود، و «مدرس‌سئس‌رکوجه» اش از ارضای نیازهای شهروندان عادی عاجز است، وقتی به مدرسه‌های «سمپاد» در شهرهای بروجرد، خرم‌آباد، اردبیل، مراغه، بیرجند، بجنورد، زاهدان، سبزوار، آبادان، لار،

دزفول، بوشهر، گنبد، بندرعباس، رفسنجان، سیرجان، یاسوج شهرکرد، کاشان، ایلام، شهریار، ورامین، اسلامشهر و ... پا می‌گذاری، اگر کوچکترین انصافی داشته باشی، این سؤال اساسی جانت را به دردمی آورد که مگر این‌ها چه امکانات اضافه‌ای گرفته‌اند که باید «تافته‌های جدا بافته» محسوب شوند؟ جز این که کمی توانمندتر بوده‌اند، از زیر دست و پا خارج شده‌اند و با یک انتظار غیر عقلانی «بیرونی»، یک کمبود عینی امکانات «داخل مدرسه» و امید به تلاش خویش، سری میان سرها درآورده‌اند؟ با این حال اگر کسی از روستای نزدیک بابل به این مرکز بیاید و در رقابت با همه دو پینگی‌های پرپول، نفر اول کنکور ایران شود و یا اینکه حافظ کل قرآن هم باشد، در رسانه‌ها بازیرکی نام مرکز مطرح نمی‌شود، چون قرار نیست «بخ ذهنیت‌ها» ذوب شود.



دختران سمپادی از «شیراز» و «قم» در کنکور سراسری امسال شیرین کاشتند؛ توانمند در «دانش» و «ارزش». این موفقیت را در کنار کسب بیش از ۷۴ درصد کل مدال‌های المپیادهای جهانی و کسب طلای کشوری در المپیادها برای سال ۸۴ توسط تلاشگران ۱۹ مرکز، و همچنین کسب ۵۴ طلای کشوری از ۶۶ طلای المپیادهای سال ۸۵ را به همه سمپادی‌ها تبریک می‌گوییم.

آرزوی اساسی من این است که روزی همه مدارس ایران بتوانند نیازهای معقول و عادی دانش‌آموزان را برآورده سازند. آن روز دیگر حداقل در بخش دولتی به هیچ «مدرسه خاصی» نیاز نخواهیم داشت؛ خواه «سمپاد»، خواه نوع دیگر.

مدیر مسئول